



”

این واقعیت را باید طنز به حساب آورد یا تراژدی؟ اینکه مجموعه‌ای از باسابقه‌ترین هنرمندان و سینماگران ما، حتی در آزادانه‌ترین عرصه‌های پرواز مرغ خیالشان نیز نتوانسته‌اند کوچک‌ترین تصویری از ۱۰ سال آینده خودمان هم ببینند، یا به مخاطب ایرانی نشان بدهند، خنده‌دار است یا فاجعه‌آمیز؟!

”

بارها اشاره کرده‌ایم که هنر و به‌ویژه فیلم‌سازی، فقط روایت جهان نیست؛ بلکه قبل از هر چیز، نوعی «جهان‌سازی» است

مجموعه این‌ها نه تنها تأیید و تأکید دوباره ایست بر قانون علیت، بلکه خواسته یا ناخواسته، انگار می‌خواهند اعتراف کنند به این مطلب که: در این عالم، هیچ اتفاقی اتفاقی نیست! وقتی مثلاً هنگام رد شدن از کنار کابینت آشپزخانه، دست ما ناخواسته به یک لیوان آب می‌خورد و آنرا به زمین انداخته و می‌شکند... این رویداد هدف ندارد، نه علت! چون علتش همان برخورد غیر اختیاری دستمان با لیوان کنار کابینت بوده است.

در سینمای معاصر غربی مجموعه آثار بسیاری وجود دارند که از انکار خدا و پیامبر گرفته تا معاد، رسماً دین ستیز محسوب می‌شوند. وگرنه تعداد آثاری که به‌طور غیررسمی مهم‌ترین مبانی و آموزه‌های دینی را به چالش می‌کشند، قابل شمارش نیست. در چند شماره قبل از همین نشریه به نمونه‌های متعددی اشاره کردیم. مثلاً در سریال پیشتازان فضا، خدا و پیامبر یک نوع موجودات هوشمند فضایی معرفی می‌شوند که ممکن است از نظر تکنولوژی در سطوح تمدنی بالاتری قرار داشته و به سیاراتی چون زمین سفر کرده‌اند. در سریالی هایی مثل «بنیاد» (یا شن‌های صحرا و...) موجوداتی دقیقاً شبیه به انسان توانسته‌اند به جاودانگی رسیده و امپراتوری‌های فرا کهکشانی تشکیل دهند؛ اما یکی از قهرمان‌های اصلی داستان ریاضیدان نابغه‌ای است که کرده تمام جهان توسط فرمول‌های مربوط به نظریه آشوب ایجاد شده و از بین می‌روند.

کلاً در فیلم‌های علمی تخیلی و مخصوصاً فضایی، هر قدر هم که با سفینه‌هایی با چند برابر سرعت نور در جهان مسافرت کنیم، هیچ خبری از عالم ملکوت یا فرشتگان الهی نیست! مواردی که بیشتر به بحث ما مربوط می‌شوند، رابطه بین آینده و مفهوم امید، مخصوصاً در نسبت با تکنولوژی و توسعه است. چه تعداد شاهکار سینمایی را سراغ دارید که آینده بشری چیزی غیر از جنگ‌های هسته‌ای و نابودی کامل نسل بشر نیست؟ چه تعداد آثاری را سراغ دارید که خودشان رسماً اعتراف می‌کنند، پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های علمی نیز نمی‌توانند بشریت را به ثبات، امنیت و آرامش نهایی برسانند؟ چه تعداد آثار را به یاد می‌آورید که از آسمان چیزی غیر از سقوط یک شهاب‌سنگ و احتمال انقراض نسل بشر، یا موجودات فضایی که فقط برای نابودی انسان آمده‌اند، چیز دیگری نازل نمی‌شود؟ چه تعداد آثار را می‌توانیم نام ببریم که پیشرفت

هوش مصنوعی مساوی است با انکار روح؟! سینمایی که هر قدر از نظر تکنیک و فرم به ساحت حقایق دینی نزدیک می‌شود، از نظر مضامین و درون‌مایه داستان‌ها از همین حقیقت‌ها فاصله می‌گیرد. بیشتر از این فرصت نیست به رابطه ذاتی هنر غیردینی در ابرگفتان‌های غربی و ناامیدی اشاره کنیم...

پهن‌بندی:

جمله قبلی را اصلاح می‌کنم؛ ظاهراً با توجه به حجم مطلب، برای پرداختن به آثار داخلی نیز خیلی فرصت نداریم! اگرچه تصور می‌کنم، با توجه به همین مطالب گفته‌شده، چنین کاری خیلی سخت نیست. تاریخ ایران، انقلاب اسلامی، مدرنیته، توسعه و تکنولوژی، آینده، امید و ناامیدی... با توجه به این مفاهیم توصیه می‌کنید در نخستین گام، مثلاً با سریالی مثل «روزی روزگاری مریخ» شروع کنیم؟ یا بلادرنگ آن را کنار بگذاریم؟! یا به دورترین نقاط کهکشانی پرتش کنیم؟! یا خودمان به دورترین نقاط کیهانی پناه ببریم؟! به‌رحال، میدانم که هیچ‌کدامان با ترویج خشونت و فحاشی موافق نیستیم!...

الگوی توسعه به تصویر کشیده شده در سریال مذکور را باید دینی دانست یا ضد دینی؟ اصلاً چیزی تحت عنوان یا مفهوم الگوی توسعه